این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

کسی از تو محروم نشود

آیت‌الله حائری شیرازی(ره):
اگر کسی وضع زندگی‌اش خوب نیست، از امام جواد (ع) حاجت بگیرد. امام جواد(ع) مدینه بود. امام رضا(ع) در ایران و در مرو بود. برای امام رضا(ع) خبر آوردند که خادم‌ها هر وقت می‌خواهند پسرشان را از خانه خارج کنند از در پشتی می‌برند تا فقرا نفهمند که ایشان دارد می‌رود و درخواستی بکنند. حضرت نامه‌ای به پسرش امام جواد(ع) نوشت: «به من رسیده است که تو از درب کوچک بیرون می‌روی. به حق من بر تو که بیرون نروی مگر از درب بزرگ و همراه خودت درهم و دینار فراوان بردار و هر کس در راه از تو درخواست کرد به او عطا کن». این سفارش بابایش است که کسی از تو محروم نشود! از این جهت وقتی محتاج هستی، گرفتار هستی، کمبود داری برو سراغ امام جواد(ع).
دو رکعت نماز برای امام جواد(ع) بخوانید و از ایشان بخواهید گرفتاری‌هایتان را رفع کند. خدا برای ما، دوازده امام گذاشته. «قد علم کل أناس مشربهم؛ هر گروهی بدانند از کجا آب می‌خورند». آن که بدهکار است بداند مَشربش امام جواد(ع) است؛ مَشکش را برود آن جا پر بکند. فقه می‌خواهد برود سراغ امام صادق(ع).
منبع: کانال تلگرامی «نکات ناب و حکمت‌های آیت‌الله حائری شیرازی»

الگو بودن حضرت زهرا(س) به چه معناست؟

صفحه توئیتری «علامه مصباح یزدی» بخشی از بیانات مرحوم علامه را به اشتراک گذاشت. آیت‌الله مصباح(ره) می‌فرمایند: بعضی خیال می‌کنند وقتی می‌گوییم الگوی ما حضرت زهراست، باید دقیقاً [مانند حضرت] رفتار بکنند تا بشوند تابع حضرت زهرا. الگو گرفتن در روح عمل است، نه در شکل عمل، شکل عمل ممکن است بسیار متفاوت باشد اما روحش یکی است، روح عمل حضرت زهرا توجه نکردن به زخارف دنیا بود.

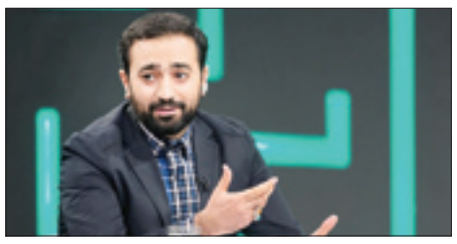

یامین‌پور: قولی را که در خندوانه دادم دنبال می‌کنم

وحید یامین‌پور، معاون جوانان وزیر ورزش و جوانان، که به تازگی در برنامه خندوانه حضور داشته، طی توئیتی نوشت: پنج‌شنبه شب در خندوانه به جوانان قول دادم با پیگیری سیاست‌های جدید، نارضایتی آنها از روند دریافت تسهیلات ازدواج را کم کنم. صبح جمعه از رئیس‌جمهور محترم دستور گرفتیم که بانک مرکزی مؤظف بشود دستورالعملی تهیه کند تا سقف مدت زمان انتظار متقاضیان برای دریافت وام معلوم باشد. موضوع را همچنان دنبال خواهم کرد.

جای خالی روایت ایرانی از مذاکرات

سیدمهرداد سیدمهدی در توئیتی نوشت: یکی از شگردهای امریکایی‌ها و اروپایی‌ها در طول مذاکرات هسته‌ای به‌خصوص در ماه‌های اخیر، قالب کردن روایت تحریف شده و غیرواقعی خودشان به‌عنوان روایت غالب است. متأسفانه عده‌ای هم در داخل همان روایت را ادامه می‌دهند. مهم‌ترین نکته غائب بودن روایت صحیح و واقعی در این طرف است. چرا؟ نمی‌دانم.

تصویر منتخب

خانواده با محبت سنگ‌ها | از صفحه توئیتری امیرعلی علامه‌زاده

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به زلزله در هرمزگان و تخریب روستای سایه‌خوش

داغ یعنی به دیدن خرابه‌های داروندار زندگی خود بنشینی

زلزله شنبه ۱۱تیر ۱۴۰۱ در هرمزگان به گفته استاندار منجر به تخریب کامل روستای سایه‌خوش بندر خمیر و کشته شدن ۵ نفر و مصدومیت بیش از ۸۰ نفر شد. این حادثه دردناک واکنش‌هایی در توئیتر به همراه داشت هر چند که کاربران معتقدند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی آنطور که شاید و باید به این حادثه توجه نداشتند. همچنین کاربران ضمن ابراز همدردی با مردم منطقه از تیم‌های امدادرسان به زلزله‌زدگان تشکر کردند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را می‌خوانید:

■ **مجید بامری:**
استاندار، فرمانده سپاه و نیروی انتظامی و همه در کنار مردم؛ امدادرسانی به زلزله‌زدگان هرمزگان از همان ساعات اولیه زمین لرزه. برای شادی روح همه اموات و شفای مصدومان این حادثه صلواتی ختم کنید.

■ **حسین اقبالی:**
حادثه زلزله بندرخمیر خبر تلخی بود که غصه‌دارمون کرد... امید است جان باختگان این حادثه قرین رحمت واسعه الهی قرار گیرند و مجروحان هم هر چه زودتر شفا پیدا کنند.

■ **احمد کاظم‌زاده:**
تخریب روستای سایه‌خوش خبر دردناکی است که متأسفانه چون مردمانش صدا ندارند و هیچ سلبریتی و رسانه‌ای هم دلش برایشان نمی‌سوزد در سکوت خبری در حال دوای دردهای خودشان پس از زلزله هستند. نمی‌دانم چه می‌شود برای یک منطقه سلبریتی‌ها یک دفعه جو گیر می‌شوند و تا لباس زیر می‌فرستند در یکجا هم این طور سکوت.

■ **کاربری با نام «محمد کاظم»:**
عید رفته بودیم بندر لنگه و خمیر، مردمانی به شدت خوب ولی به شدت محروم. ابتداییات زندگی روازش محروم بودن. می‌گفتن (و بعداً دیدم درسته) که کلی از طایفه‌ها و شیوخ دبی ایرانی و برای همین مناطق هستن. ولی خب اونجا چی شد و اینجا چی.

■ **احمد روستایی:**
امدادرسانی سریع به روستای سایه‌خوش قابل تقدیر و تشکر است اما جای سؤال اینجاست که چرا این قبیل حوادث توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها را جلب نمی‌کند تا مطالبه بازسازی مناطق محروم و بافت فرسوده را داشته باشند؟ آیا حتماً باید خسارت‌ها چند ده برابر باشد؟

■ **بابک ذاکری:**
چندین بار شاهد چنین صحنه‌ای بوده‌ام، اینکه کسی بنشیند به خرابه‌ای زل بزند که تا ساعتی پیش خانه بوده برایش. این صحنه همیشه در یاد آدم می‌ماند، مخصوصاً این روزهای فقر و گرانی با خانه خراب شده چه می‌توان کرد؟

■ **کاربری با نام «کیانوش»:**
نام روستایتان را اولین بار بود که می‌شنیدم، صددرصد سایه‌خوش نابود شده است. صدای من ضعیف‌تر از آن است که به گوشتان برسد اما برای شما که عزیزتر از جانید، امروز قلب من برای شما می‌تپد. #هرمزگان #بندر_خمیر #بندر_لنگه #سایه_خوش

■ **کیان مهزاد:**
باید تسلیت گفت به مردم داغ‌دیده سایه‌خوش. داغ همیشه از دست دادن عزیز نیست، همین که بنشینی و خرابه‌های خانه‌ای را که همه داروندارت بود بنگری و چشم به راه باشی تا امدادرسانی دستت را بگیرد تا از خاک برخیزی از هر غصه و داغی بالاتر است. مردم مظلومی هستند که حالا مظلوم‌تر از همیشه شدند.

■ **حسین عبداللهی:**
وقتی می‌گیم وام مسکن روستایی اولویت داره و باید پرداخت بشه برای اینه که از هزینه‌های بیشتر مالی، جانی، روحی، اجتماعی و... بعد از زلزله پیشگیری شود. بیش از ۳ میلیون خانه روستایی غیرمقاوم تو کشور داریم، یعنی جان حدود ۱۲ میلیون نفر در خطر است. #سایه_خوش

■ **موسی محتشمی‌راد:**
تجربه بحران‌های گذشته در کشور نشان داده در آغازین ساعات حادثه کل ظرفیت اجرایی و حمایتی میاد پای کار اما مهم‌تر از حضور اولیه، برنامه‌ریزی، تعیین شرح وظایف و از همه مهم‌تر مانیتور وضعیت تا رسیدن به ثبات در منطقه و اطمینان از بازسازی کامل خرابی‌های مادی و معنوی است. #زلزله #سایه_خوش

حیات چگونه پس از بزرگ‌ترین رویداد انقراض زمین ادامه یافت؟

مصطفی جرفی ترجمه مقاله‌ای از sciencealert را در فرارو به اشتراک گذاشت. در این مقاله می‌خوانیم: تاریخ طولانی حیات روی کره زمین، مملو از رویدادهای انقراض و تجدید زندگی بوده است که در نهایت به شکل امروزی آن رسید، اما در حدود ۲۵۲ میلیون سال پیش حیات زمین چنان نابود شد که به نظر می‌رسید به سرنوشت مریخ دچار شود، اما زندگی روی این کره آبی دوام آورد و تا به امروز ادامه دارد. اما چگونه حیات توانست از بزرگ‌ترین رویداد انقراض زمین جان سالم به در ببرد و کدام موجودات اولین بازماندگان این انقراض بزرگ بوده‌اند؟

رویداد انقراض پرمین- تریاس، که تقریباً ۲۵۲ میلیون سال پیش اتفاق افتاد، در محاوره به عنوان «مرگ بزرگ» شناخته می‌شود، زیرا به شکلی حیات روی زمین را محو کرد که تقریباً به طور کامل به آن پایان داد. این شدیدترین رویداد انقراض در تاریخ کره زمین است. با این حال، زندگی تجدید شد و تحقیقات جدید نشان می‌دهد که جاندارانی مانند کرم‌ها و میگوها - حیواناتی که از مواد آلی موجود در ته اقیانوس تغذیه می‌کنند - اولین حیواناتی بودند که از نظر جمعیت و تنوع زیستی توانستند خود را بازیابی کنند.

برای رسیدن به این نتیجه، دانشمندان، با توجه به تاریخ‌گذاری لایه‌های بستر دریای چین، به بازیابی رد فسیل‌های پرداختند که متعلق به این دوره زمانی بود. البته باید خاطر نشان کرد که آنچه مورد مطالعه این دانشمندان قرار گرفت آثار فسیل‌های باستانی بود نه خود فسیل‌ها، زیرا چنین جانداران نرم تنی از خود فسیل به‌جا نمی‌گذارند بلکه اثر آنها بر روی سنگ‌ها به عنوان فسیل باقی می‌ماند.

مایکل بنتون، دیرینه شناس دانشگاه بریستول در بریتانیا، می‌گوید: «ما توانستیم رد فسیل‌هایی را از ۲۶ بخش، در طول کل مجموعه رویدادها که نشان دهنده ۷ میلیون سال زمان است، بررسی کنیم. با شناسایی جزئیات در ۴۰۰ نقطه نمونه‌برداری، ما در نهایت مراحل بازیابی همه حیوانات از جمله بنتوس، نکتون و همچنین این حیوانات با بدن نرم در اقیانوس را بازسازی کردیم». از آنجایی که حیوانات نرم بدن هیچ اسکلتی برای به جا گذاشتن ندارند، رد فسیل‌ها برای بررسی نحوه زندگی این موجودات حیاتی است. این تیم تحقیقاتی همچنین توانستند فسیل‌های بدن را در مطالعه خود بگنجانند تا ببینند چگونه گونه‌های دیگر توانستند پس از در دسترس قرار گرفتن این ذخیره‌های غذایی، شروع به احیا کنند.

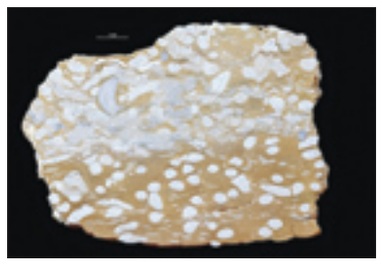

ژوکیان فنگ، دیرینه‌اکولوژیست دانشگاه علوم زمین چین می‌گوید: «بحران انقراض پایان دوره پرمین - که برای حیات روی زمین بسیار ویران کننده بود - به دلیل گرم شدن کره زمین و اسیدی شدن اقیانوس‌ها ایجاد شد، اما حیوانات بازمانده مورد اشاره ممکن است از قابلیت‌هایی برخوردار بودند که ارگانیسم‌های اسکلتی برای نجات از این شرایط فاقد آن بودند. در واقع، ردیابی داده‌های فسیلی ما انعطاف پذیری حیوانات نرم بدن را در برابر CO_2 و گرمای بالا را نشان می‌دهد. این مهندسان اکوسیستم ممکن است نقشی در بازیابی اکوسیستم اعماق دریا پس از انقراض شدید دسته جمعی داشته باشند.»

این دانشمندان می‌گویند؛ زندگی ابتدا در عمیق‌ترین آب‌ها شروع به بازگشت کرد. هنگامی که فیدرهای رسوبی تا حد زیادی گسترش یافتند، جاندارانِ دیگری مانند بازوپایان، بریوزوآرها و دوکفه‌ای‌ها - که عمدتاً بی‌تحرک و اغلب در کف اقیانوس زندگی می‌کنند - تجدید حیات یافتند، اما بسیار دیرتر. حدود ۳ میلیون سال طول کشید تا ساکنان رسوبات نرم بدن به گستردگی پیش از انقراض بزرگ برگردند. رویداد انقراض پرمین- تریاس حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد از حیات دریایی روی زمین را از بین برد، بنابراین جای تعجب نیست که تجدید حیات این قدر طول بکشد. با افزودن سوابق فسیلی به داده‌ها در کنار فسیل‌های نرم‌تنان، دانشمندان می‌توانند تصویر کامل‌تری از اتفاقات بعدی به دست آورند.

تصور می‌شود تغییرات آب و هوا، گرم شدن کره زمین، افت اکسیژن و افزایش اسیدی شدن اقیانوس‌ها محرک‌های اصلی انقراض بزرگ هستند و البته این بدان معناست که یافته‌های جدید می‌توانند آگاهی‌های بیشتری در مورد آنچه در دوران حاضر اتفاق می‌افتد به ما بیاموزد. با درک اینکه چگونه حیوانات خاصی پس از رویداد انقراض بزرگ زنده ماندند و تجدید حیات کردند، بهتر می‌توانیم بفهمیم که چگونه این موجودات ممکن است در دوره گرمایش فعلی که در حال گذراندن آن هستیم زنده بمانند و کدام گونه می‌تواند انعطاف‌پذیرترین باشد. نتایج این تحقیق در Science Advances منتشر شده است.

این بود قله جامعه مدنی لیبرال سرمایه‌داری!

حسن رحیم‌پور ازغدی در توئیتی نوشت: دیوان عالی امریکا حکم جواز حمل سلاح توسط همه مردم در اماکن عمومی برای دفاع از خودشان را صادر کرد. و این بود قله جامعه مدنی لیبرال سرمایه‌داری در پایان تاریخ!!

سناریوی کمبود گاز در حال واقعی شدن

حمید بابایی در توئیتی نوشت: دولت آلمان به شرکت‌ها توصیه می‌کند قبل از زمستان ژانراتورهای برق اضطراری را به عنوان یک اقدام پیشگیرانه در برابر تشدید کمبود گاز خریداری کنند سناریوی کمبود گاز در حال واقعی‌تر شدن است.

عشق و شناخت

محمود مقدسی در کانال تلگرامی خود نوشت: عشق، شناختن دیگری را آسان‌تر می‌کند و دشوارتر. وقتی عاشق کسی هستیم، از شناختن او لذت می‌بریم و جزئیات رفتار، گفتار و احساساتش برایمان مهم می‌شود؛ می‌خواهیم او را بشناسیم تا به او نزدیک‌تر شویم و احساس آشنایی کنیم. ما بیش از هر کس دیگری به او امنیت آشکارگی می‌دهیم و با این کار به خود واقعی او نزدیک‌تر می‌شویم. گفته‌اند که عمیق‌ترین شناخت زمانی اتفاق می‌افتد که عاشق چیزی یا کسی هستیم. عشق در این حالت، شوق دانستن به ما می‌دهد. امّا عشق، سویه و گونه دیگری هم دارد؛ جایی که دیگری را نمی‌شناسیم و نمی‌خواهیم که بشناسیم. اینجا جایی است که تصویر محبوبمان بیشتر ساخته خود ما است تا واقعیت او. ما به سراغ شناختن او نمی‌رویم چون می‌ترسیم آنی نباشد که فکر می‌کنیم و آنگاه دوباره تنهایی، ناکامی و ورشکستگی عاطفی به سراغمان بیاید. ما نه تنها از شناخت او سر باز می‌زنیم که به او امکان خود بودن هم نمی‌دهیم. از او می‌خواهیم که خودت نباش و گاه برای پنهان کردن واقعیتش به خشونتی عاشقانه متوسل می‌شویم. عشق، در این حالت، راه را بر آشکارگی دیگری و شناخت او می‌بندد. امّا کدام یک عشق را زنده نگه می‌دارد؟ شناختن خود واقعی محبوب یا چشم بستن بر حقیقت او؟

چرا برجام ۲۰۱۵ با ۲۰۲۲ متفاوت است؟

الهام عابدینی در رشته توئیتی نوشت: وجه اشتراک گزارش‌های رسانه‌های غربی درباره برجام، تأکید بر ضعف دولت بایدن در احیای برجام، تشدید اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه ایران در سایه سکوت امریکا و اشتباه خسارت‌بار ترامپ در خروج از برجامه، خروجی که دستاوردهای علمی هسته‌ای ایران را به نقطه غیر قابل بازگشت رساند. مشکل‌شان با برجام احیا شده همین است اما چرا برجام ۲۰۱۵ با ۲۰۲۲ متفاوت است؟ تحولات نظم جهانی از یک سو که میدان را متفاوت از ۲۰۱۵ کرده، از سوی دیگر دستاوردهای هسته‌ای ایران که اگر امریکا خارج نشده بود و تعهدات کاهش نیافته بود، در سال ششم برجام بودیم اما الان در سال سیزدهم یعنی به لحاظ هسته‌ای و فناوری، این سال‌های خروج امریکا ما را چند سال پیش برد که تقریباً غیرقابل بازگشت است. پاسخ اینکه چرا امریکا تصمیم سیاسی نمی‌گیرد، چرا از هر بهانه‌ای برای راه‌انداختن بازی مقصرنمایی استفاده می‌کند، در همین نکته است. برای نمونه گزارش اخیر فارن‌افرز رو ببینید.

صنعتی‌زدایی در اندونزی؟

کانال تلگرامی «Collective Action» نوشت: گفته می‌شود که در دهه ۸۰ میلادی اندونزی به یک موتورخانه صنعتی تبدیل شده بود و پوشاک و محصولات الکترونیک رتبه دوم و سوم صادراتش را تشکیل می‌دادند. بعد از بحران آسیای شرقی، اندونزی به سمت صنعتی‌زدایی می‌رود و سهم پوشاک و الکترونیک در صادراتش به کمترین حد می‌رسد. کشور مجدداً به صادرکننده منابع طبیعی تبدیل می‌شود. عواملی که برای این پدیده ذکر می‌شود یکی رشد قیمت کالاهای اولیه در دهه ۲ هزار می‌باشد که اندونزی را دچار بیماری هلندی می‌کند؛ به این معنا که بخش منابع طبیعی رونق می‌یابد و با افزایش دستمزد حقیقی، منابع انسانی را به سمت خود می‌کشاند و بخش کارمحور صنعتی را منقبض می‌کند. تقویت (یا عدم تضعیف) پول ملّی هم پیامد دیگر این معضل است که قیمت نسبی کالای وارداتی را کاهش می‌دهد. عامل دیگر نیز قدرت‌گیری اقتصاد چین در آن سال‌هاست که عرصه رقابت در تولید صنعتی را بر دیگران تنگ می‌کند. با این حال، با رشد دستمزد حقیقی در چین و تنش‌های تجاری‌اش با امریکا، به نظر می‌رسد که جریان سرمایه خارجی به مقصد اندونزی جابه‌جا شده، صادرات صنعتی کشور رونق گرفته و روند صنعتی‌زدایی متوقف شده است. در عین حال، نقش بنگاه‌های دولتی اندونزی در صنعتی‌سازی مجدد کشور نیز حائز اهمیت است. هر زمان که بخش خصوصی توان یا تمایل ورود به صنایع جدید نداشته، دولت اندونزی بنگاه‌های دولتی را به کار انداخته و صنعتی جدید احداث کرده است. در این زمینه صنعت وسایل نقلیه ریلی که رشد بارزی در درآمدش داشته و از چند کشور سفارش دریافت کرده قابل توجه می‌باشد. صنعت باتری خودروهای الکتریکی اندونزی (IBC) نیز نمونه دیگری از جایگزینی واردات با محوریت بنگاه‌های دولتی است. اخیراً این صنعت توانسته شرکت‌های چینی (CBL) و کره‌ای (LG) را ترغیب به سرمایه‌گذاری کند. در اقتصاد جهانی‌شده (Globalized) امروز، اعمال محدودیت‌های گمرکی جهت تحریک سرمایه‌گذاری خصوصی در تولید صنعتی بسیار دشوار شده است. از همین‌رو کار بست بنگاه‌های دولتی (که بعداً می‌توانند خصوصی شوند) از ابزارهای معدود کشورهای در حال توسعه جهت توسعه صنعتی می‌باشد. در عین حال باید توجه داشت که مدیریت کارآمد بنگاه‌های دولتی نیازمند ظرفیت قوی اجرایی در دولت می‌باشد.

جامعه علمی جلوی آنارشیسم سگ‌گرایی بایستد

دکتر حسین آخانی، استاد دانشگاه تهران، در یادداشتی نوشت: این هم از دستاورد جماعت جاهلی که با دروغ‌های پی‌درپی مدعی هستند که دادن غذا به سگ‌های ولگرد آنها را مهربان می‌کند و در تکثیر آنها تأثیری ندارد. دو کودک در فاصله فقط چهار روز در شهر صنعتی دامشهر قم توسط فرشته‌های ولگرد(!) به فجیع‌ترین شکلی دریده شدند. این سگ‌ها در جایی به کودک کشی‌رو آورده‌اند که غذا به‌وفور در دسترشان است. شکار تفریح سگ‌های سیر است. آدم‌ها هم وقتی سیر هستند به تفریح نیاز دارند. برای سگ‌هایی که شکار کردن در ذاتشان است اصلاً تعجبی ندارد که به جان کودکان بیفتند. گیاهان و جانوران در مسیر اهلی شدن صفات جدیدی پیدا می‌کنند که به آن صفات آپورمورف می‌گویند. وقتی حیوان یا گیاه اهلی‌شده مجدداً به طبیعت برمی‌گردد مجدداً صفات اجدادی یا پلیزیومورفی را بازمی‌یابد. سگ‌های ولگرد هم چنین‌اند. اگر در بین ۱۰۰ سگ ولگرد یکی از آنها رفتار گرگی را نشان دهد (که البته این میزان بسیار بیشتر است) کافی است که امنیت یک شهر را به خطر بیاندازند. به همین دلیل است که در غرب سگ ولگرد نیست و سگ‌های صاحبدار مجبورند با قلاده جابه‌جا شوند.

جامعه علمی باید هم‌صدا جلوی این آنارشیسم سگ‌گرایی ایستاده و از مسئولان بخواهند قبل از هر چیز ضمن منع کامل غذا رسانی، منابع مالی آنها را شناسایی و قطع کنند. اگر درآمدهای کاسبان سگ و گربه تعطیل شود دیگر انگیزه‌ای برای ایجاد صدها صفحه و دارودسته ندارند. غذا رسانی به سگ‌ها باید جرم و مشمول مجازات‌های ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی گردد که تهدید بهداشت عمومی است. برای کنترل سگ‌ها، ابتدا باید آنها را جمع‌آوری کرد. سپس با ثبت‌نام از دوستداران سگ دعوت کنند هر تعداد سگی را که دوست دارند نگهداری کنند. آنها بعد از پرداخت هزینه عقیم‌سازی و واکسن سگ‌ها را با خود به منزل شخصی، باغ و زمین شخصی ببرند. اگر فرض کنیم که سگ دوستان فقط یک درصد مردم ایران باشند، احتمالاً با دریافت یک یا دو سگ می‌توانند تمامی سگ‌های ولگرد را در آغوش گرم خود نگهداری کنند. این روش بهترین معیار برای آماربرداری از تعداد سگ دوست‌های واقعی است. برای نمونه می‌توانیم ۱۰۰ هزار سگ را به‌عنوان هدیه به هیئت‌مدیره شبکه منو وتو بفرستیم تا در هاید پارک لندن به آنها غذا رسانی کنند. به هر کدام از سلبریتی‌های سگ دوست هم می‌توان به ازای هر ۱۰۰ فالوئر یک سگ هدیه کرد تا با ایجاد پناهگاه سرپرستی کنند. با این روش نه سگی کشته می‌شود و نه کودکی قربانی سگ‌ها می‌شود.